

ضرورت اتخاذ سیاست کیفری برای تضمین حقوق آزمودنی در

تحقیقات غیردرمانی

علی خورشیدی^۱

ابوالفتح خالقی^۲

چکیده

گروهی معتقدند که پژوهش‌گران علوم پزشکی که به انجام تحقیقات غیردرمانی بر روی موضوع انسانی اقدام می‌کنند، در عین حال که با ایراد زیان به آزمودنی عملی مجرمانه مرتکب می‌شوند، نباید به مجازات کیفری محکوم شوند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند ضمانت اجرای مدنی و اداری در ارتباط با تحقیقات زیست‌پزشکی به تنهایی کفایت نمی‌کند و ضمانت اجرای کیفری در کنار ضمانت اجرای مدنی و اداری اثر بازدارندگی شدیدتری دارد. در این مقاله با نقد و بررسی نظرات طرفداران منع اتخاذ سیاست کیفری در تحقیقات علمی و تحلیل نظرات طرفداران ضرورت اتخاذ این سیاست، سعی شده است تا رویکرد مناسب برای نظام حقوقی ایران پیشنهاد شود. با توجه به دلایل طرفداران هر کدام از دو نظریه و مبانی حقوق داخلی، استفاده از ضمانت اجرای کیفری علیه سوءرفتار در تحقیقات علمی می‌تواند ابزاری تعیین‌کننده در تضمین حقوق آزمودنی و کاهش سوءرفتار در تحقیقات علمی باشد.

واژگان کلیدی:

تحقیقات غیردرمانی، ضمانت اجرای کیفری، سیاست کیفری، آزمودنی

۱- پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

۲- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤل)

پست الکترونیک: ab-khaleghi@qom.ac.ir

نوع مقاله: مروری تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۸

مقدمه

منافع گسترده انجام پژوهش‌های علمی بر روی آزمودنی انسانی برای جامعه و بهداشت عمومی، منجر شده تا در میان اندیشمندان و سیاست‌گذاران عرصه زیست‌فناوری و علوم پزشکی در خصوص نقش کلیدی پژوهش‌های علمی در توسعه علوم زیستی اتفاق نظر حاصل شود. از لحاظ تاریخی یکی از مهم‌ترین دلایل نفع اجتماعی این گونه پژوهش‌ها تحقیقی است که ادوارد جنر، پزشک انگلیسی برای درمان آبله انجام داد. او از طریق مبتلا کردن یک فرد سالم به بیماری آبله گاوی و مطالعه روند آن توانست راهی برای جلوگیری از ابتلاء انسان به بیماری آبله بیابد. موفقیت این پژوهش منجر به مصونیت دائمی در برابر بیماری آبله و باعث شد پژوهش بر روی آزمودنی انسانی مشروعیت عمومی را نیز کسب کند (Zahi & Qiu, 2005, P 412). آنچه مسلم است این است که شرکت در تحقیقات علمی بعضاً منجر به صدمه، معلولیت جسمی یا حتی مرگ برای آزمودنی می‌شود، اما این واقعیت نباید و نمی‌تواند مزایا و ضرورت استفاده از این گونه پژوهش‌ها را انکار کند. انجام پژوهش بر روی آزمودنی انسانی تنها راه مطمئن برای احراز اثربخشی و ایمنی درمان‌های پزشکی است (Jackson, 2006, P 448).

در تاریخ پژوهش‌های غیردرمانی، جهان شاهد فجایع و جنایات هولناکی بوده که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، فلسفی و دینی را به تأمل واداشته است. یکی از فجیع‌ترین و مرگبارترین تحقیقات پزشکی انجام‌شده توسط بشر، آزمایش‌هایی بود که توسط ارتش آلمان نازی در اردوگاه‌های کار اجباری بر روی اسرای جنگی انجام شد. بر اثر این آزمایشات صدها هزار تن کشته یا دچار معلولیت شدند. انجام آزمایش‌های صورت گرفته توسط واحد ۷۳۱ ارتش

امپراتوری ژاپن بر روی اسرای جنگ جهانی دوم از دیگر موارد تأسفاتر تحقیقات زیست پزشکی است (Liu, 2012, P 109).

پس از اعمال غیراخلاقی و غیرانسانی در انجام تحقیقات جنایتکارانه بر روی اسرا در جنگ جهانی دوم که اقدامی شرم‌آور در تاریخ تحقیقات پزشکی به شمار می‌رود، توجه اندیشمندان علوم مختلف به ضوابط و مقررات حاکم بر پژوهش‌های علمی جلب شد. به همین علت در چند دهه گذشته مناظرات گسترده‌ای از طرف پژوهش‌گران علوم پزشکی، حقوق‌دانان و اندیشمندان دیگر حوزه‌های اخلاق و فناوری در خصوص حقوق آزمودنی در تحقیقات علمی صورت گرفت. در این مناظرات، ضمانت اجراهای متفاوتی برای تضمین حقوق آزمودنی در تحقیقات علمی مورد پیشنهاد قرار گرفته است.

اصل امکان جواز انجام پژوهش‌های علمی بر روی آزمودنی انسانی امری پذیرفته‌شده در جامعه حقوقی است، آن‌چه محل بحث است این می‌باشد که برای جلوگیری از تضییع حقوق آزمودنی در تحقیقات علمی و توسعه همزمان این نوع تحقیقات چه ساختارها و ضمانت‌اجراهایی باید پیش‌بینی شود. اتخاذ ضمانت اجراهای قانونی شدید گرچه باعث تضمین حقوق آزمودنی می‌شود اما ممکن است منجر به کاهش تمایل پژوهش‌گران به انجام چنین پژوهش‌هایی شود. از طرفی، عدم اتخاذ ضمانت‌اجراهای شدید گرچه باعث تشویق پژوهش‌گران و پیشرفت علم پزشکی میشود اما باعث تضییع حقوق آزمودنی می‌شود و زمینه ایراد صدمه به آزمودنی را به علت بی احتیاطی پژوهشگران رقم می‌زند.

از عمده‌ترین ضمانت اجراهای تضمین‌کننده حقوق آزمودنی، ضمانت اجراهای کیفی، مدنی و اداری است. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در حقوق پزشکی این است که برای تضمین حقوق آزمودنی چه ضمانت اجرا یا ضمانت

اجراهایی باید در موارد نقض حقوق آزمودنی در پژوهش‌های غیردرمانی اعمال شود. به عبارت دیگر، برای حفظ حقوق آزمودنی در این گونه پژوهش‌ها و تشویق همزمان توسعه تحقیقات علمی، اعمال کدام ضمانت اجراها دارای بهترین بازده خواهد بود. در ادامه نظریات مختلف مطرح شده در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت اتخاذ ضمانت اجرای کیفری در کنار ضمانت اجراهای مدنی و اداری مورد بررسی قرار گرفته است تا بهترین رویکرد برای پیشنهاد به قانون‌گذار داخلی تبیین شود؛ رویکردی که هم حقوق آزمودنی را تضمین کند و هم به گونه‌ای نباشد که مقررات مربوطه باعث رکود پژوهش‌های علمی شود که می‌تواند فوایدی زیادی را برای اجتماع داشته باشد.

اگر مجازات کیفری را ضمانت اجرایی بدانیم که بیان‌کننده انزجار و سرزنش اخلاقی جامعه نسبت به یک مجرم است، مسؤولیت مدنی (جبران خسارت) و ضمانت اجرای اداری، دیگر مجازات به معنای خاص تلقی نمی‌شوند. حال سؤال این است که آیا اعمال این دو نوع ضمانت اجرا در خصوص تحقیقات علمی می‌تواند جایگزین مناسبی برای ضمانت اجرای کیفری باشد و حقوق آزمودنی را به خوبی مورد حمایت قرار دهد یا خیر؟ به عبارت دیگر، مخالفان اتخاذ سیاست کیفری در خصوص تحقیقات علمی معتقدند که به لحاظ اهمیت این نوع تحقیقات و ضرورت حیاتی آن برای جامعه بهتر است برای حفظ حقوق آزمودنی تنها به استفاده از ضمانت اجرای مدنی و اداری در موارد نقض حقوق آزمودنی کفایت شود و از اعمال ضمانت اجرای کیفری به علت آثار سوء آن بر توسعه این نوع تحقیقات و انگیزه پژوهش‌گران اجتناب شود.

الف - مفهوم‌شناسی موضوع

اصطلاح سیاست کیفری برای اولین بار توسط فوئرباخ دانشمند آلمانی در کتاب حقوق کیفری وی به کار برده شده است. او در تعریف سیاست جنایی می‌نویسد: سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. اما جامع‌ترین تعریف سیاست جنایی توسط خانم دلماس مارتی استاد برجسته فرانسوی ارائه شده است: سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی است که به وسیله آن بدنه اجتماعی، پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (مظفری‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰). بنابراین می‌توان گفت سیاست کیفری در عین حال که علم محسوب می‌شود فن نیز به شمار می‌آید و موضوع این علم و فن جستجو برای به دست آوردن بهترین قوانین و مقررات و هم‌چنین ارشاد قانون‌گذار برای تدوین قوانین مناسب، راهنمایی قضات و چگونگی اجرای قوانین است (مظلومان، ۱۳۵۱، ص ۴۸).

پژوهش‌های غیردرمانی زیرمجموعه‌ای از تحقیقات زیست‌پزشکی محسوب می‌شود. تحقیقات زیست‌پزشکی به آن دسته از تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یا مستقیماً بر روی انسان انجام می‌شود یا نتیجه آن بر حیات زیستی بشر تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین تقسیم‌بندی که در اکثر کتب حقوقی (Stauch, 2002, P 552) و اسناد بین‌المللی (Declaration of Helsinki) مورد توجه قرار گرفته، تمایز پژوهش‌های زیست‌پزشکی که هدفشان اساساً تشخیص یا درمان بیماری است با پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها کاملاً علمی است و مستقیماً به هدف تشخیص یا درمان بیماری صورت نمی‌گیرند. پژوهش‌های زیست‌پزشکی را از این جهت به پژوهش‌های درمانی^۱ یا بالینی^۲ و پژوهش‌های علمی^۳ یا غیردرمانی^۴ تقسیم می‌کنند. تحقیقات زیست‌پزشکی درمانی به آن دسته از تحقیقاتی اطلاق

می‌شود که هدف از آن‌ها علاوه بر ارتقای دانش پزشکی، تشخیص یا درمان بیماری آزمودنی است. در این تحقیقات آزمودنی خود بیمار است و از آن‌جا که تمام روش‌های درمانی موجود دربارهٔ او بی‌اثر بوده است، تلاش می‌شود با انجام روش‌ها یا درمان‌های غیررایج به طور آزمایشی به مداوای او پرداخته شود. به عنوان مثال آزمایش آثار یک داروی جدید برای درمان هپاتیت و مقایسهٔ آن با سایر درمان‌های استاندارد، یک تحقیق درمانی است (Ackerman, 2000, P 586).

تحقیقات زیست پزشکی غیردرمانی به تحقیقاتی می‌گویند که در آن آزمودنی در پژوهشی شرکت می‌کند که هدف آن تنها ارتقای دانش انسانی است و به قصد درمان او صورت نمی‌گیرد (Kopelman, 2000, P 580). در این تحقیقات، خود آزمودنی بیمار نیست و هیچ نفع مستقیمی به او نمی‌رسد و صرفاً برای کمک به کشف و ابداع داروها یا درمان‌های جدید در امر تحقیق شرکت می‌کند (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۲۹). از لحاظ حقوقی، تمایز بین پژوهش‌های درمانی و پژوهش‌های علمی (غیردرمانی) امری ضروری برای هرگونه بحث از چالش‌های حقوقی پژوهش‌های زیست پزشکی است (Stauch, 2002, p 552) زیرا تعهدات قانونی که بر پژوهش‌گران تحمیل می‌شود بر اساس هر کدام از اقسام پژوهش‌های زیست پزشکی متفاوت است، در پژوهش‌های درمانی از آن‌جا که نوعی درمان تلقی می‌شوند و بیمار خود ذی‌نفع مستقیم پژوهش است، حمایت قانونی کم‌تری در خصوص میزان اطلاعات لازم برای اخذ رضایت صورت می‌گیرد در حالی که در پژوهش‌های علمی سخت‌گیری‌های بسیاری در این خصوص وجود دارد و پژوهش‌گر موظف است تمامی اطلاعات و خطرات مرتبط با پژوهش را به طور کامل به آزمودنی اطلاع دهد (Plomer, 2005, P 47).

ب- تبیین ضرورت اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش های علمی

در خصوص علل، شدت و موانع سوءرفتار و تخلفات در تحقیقات علمی، تاکنون کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده که این موضوع را از جهات حقوقی، تاریخی، فلسفی و اجتماعی مورد تحلیل قرار داده است. با این وجود، هنوز در خصوص سیاست اتخاذی برای کاهش سوءرفتار در تحقیقات علمی اتفاق نظر وجود ندارد.

علت اهمیت مضاعف این موضوع افزایش کمیت تحقیقات علمی در سال های گذشته بوده است. تنها دولت ایالات متحده آمریکا سالانه بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار برای تحقیقات علمی هزینه می کند، به علاوه، سهم بخش خصوصی در تحقیقات علمی بیش از ۶۰ درصد می باشد که به سرمایه گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری این بخش در ایالت متحده در خصوص تحقیقات علمی منجر شده است. گستره وسیع و تنوع پژوهش های علمی باعث شده است تا آثار این گونه تحقیقات بر تمامی جنبه های زندگی اجتماعی تاثیرگذار باشد (Resnik, 2000, P 256). توسعه این گونه تحقیقات و مشارکت بخش خصوصی و دولتی و افزایش انگیزه اقتصادی در این پژوهش ها باعث پیچیده شدن موارد سوءرفتار در تحقیقات علمی شده است.

گروهی معتقدند پژوهش گران علوم پزشکی که به انجام تحقیقات غیردرمانی بر روی موضوع انسانی اقدام می کنند، هرچند که ممکن است با ایراد زیان به آزمودنی عملی مجرمانه مرتکب شوند، نمی بایست به مجازات کیفری محکوم شوند، در حالی که سایر افرادی که به تمامیت جسمانی انسان تجاوز می کنند، عموماً تحت عناوین ضرب و جرح، قتل و... تحت تعقیب کیفری قرار می گیرند. این گروه استدلال می کنند که جایگاه اجتماعی پزشکان و پژوهش گران همراه با منافع اجتماعی مفروض تحقیقات علمی، باعث می شود تا آن ها از مجازات کیفری

مصون بمانند (Richardson, 2009, P92). اما این که آیا این دلایل می‌تواند مبنای کافی برای عدم مجازات پزشکان و پژوهش‌گران باشد، شدیداً مورد تردید است زیرا عدم اعمال مجازات توسط دولت در این موارد دارای اثر منفی بر ارزش استقلال و تمامیت جسمانی انسان در تحقیقات علمی بوده و از طرفی ممکن است منجر به تجری پزشکان و پژوهش‌گران شود. به علاوه، ضمانت اجرای جایگزین مانند پرداخت خسارت و مجازات اداری دارای اثری برابر با مجازات کیفری نیست و اثر بازدارندگی کافی ندارند. در این مقاله سعی شده است تا ثابت شود که مصونیت پزشکان از تعقیب کیفری در تحقیقات غیردرمانی برای جامعه مضر و با اصول حقوق کیفری در تضاد است.

در تاریخ تحقیقات علمی نمونه‌های بسیاری را می‌توان یافت که پژوهش‌گران علی‌رغم ورود صدمات جسمی شدید به آزمودنی، تحت تعقیب کیفری قرار نگرفته‌اند. به عنوان مثال در نتیجه پژوهش نادرستی که برای آزمایش شیوه‌های جلوگیری از سقط جنین بر روی زن حامله‌ای صورت گرفته بود، فرزند او مبتلا به بیماری سرطان شد بدون آن که شخصی تحت تعقیب کیفری قرار گیرد.^۵ هم‌چنین در پژوهش غیردرمانی دیگری که برای مطالعه بیماری آسم صورت گرفته بود، پژوهش‌گران مسؤل، از زنی که برای تحقیق داوطلب شده بود، خواستند تا داروی جدیدی را استنشاق کند بدون این که به او بگویند که داروی مورد نظر هنوز تأیید نشده و منجر به فوت استنشاق‌کنندگان قبلی شده است (Richardson, 2009, P 90). در بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ پژوهش‌گران آمریکایی پژوهشی را در خصوص بیماری سیفلیس انجام دادند و در روند آن گروهی از اتباع کشور گواتمالا را تعمداً به این بیماری مبتلا کردند تا بتوانند آثار پنی‌سیلین را برای درمان این بیماری مطالعه کنند (Villarosa, 2010). در تمامی

این موارد پژوهش‌گران متخلف تحت پیگرد کیفری قرار نگرفتند که همین امر زمینه‌ساز ورود زیان به آزمودنی در پژوهش‌های آتی بوده است.

در ادامه به این بحث پرداخته می‌شود که آیا در پرونده‌هایی از این قبیل باید ضمانت اجرای کیفری اتخاذ شود یا این که سایر ضمانت اجراها مثل ضمانت اجرای مدنی و اداری کافی است؟ به عبارت دیگر، آیا مصونیت پزشکان از مسؤلیت کیفری در موارد فوق حکمی عادلانه و مبتنی بر انصاف است؟ در واقع پرسش اصلی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم این امر است که آیا در تحقیقات علمی برای تضمین حقوق آزمودنی باید به ضمانت اجرای کیفری متوسل شد یا این که ضمانت اجرای مدنی و اداری کافی است. با توجه به رشد روزافزون علوم پزشکی و گسترش تحقیقات علمی، پاسخ این سؤال در تعیین چهارچوب قانونی حمایت از آزمودنی و قانون‌گذاری در زمینه تحقیقات علمی امری حیاتی است.

در این مقاله سعی می‌شود تا ضرورت اتخاذ سیاست کیفری در تحقیقات علمی مورد بررسی قرارگیرد. ابتدائاً مبانی طرفداران منع اتخاذ سیاست کیفری در خصوص تحقیقات علمی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، سپس ضرورت اتخاذ سیاست کیفری و محدوده و میزان آن در خصوص تحقیقات علمی مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

۱- دلایل طرفداران منع اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی

گروهی معتقدند به علت جایگاه اجتماعی پزشکان و منافع گسترده پژوهش‌های علمی برای جامعه، اتخاذ سیاست کیفری و اعمال مجازات در خصوص تحقیقات علمی مناسب نیست و آثار سوء این نوع سیاست‌ها باعث رکود

تحقیقات علمی و عدم تمایل پژوهش‌گران برای انجام چنین تحقیقاتی می‌شود که در نهایت این جامعه است که متضرر اصلی خواهد بود (Richardson, 2009, P 101).

طرفداران منع اتخاذ سیاست کیفری در خصوص تحقیقات علمی، در پاسخ به این پرسش که چرا باید پژوهش‌گران در تحقیقات علمی از مسؤلیت کیفری مصون باشند، این گونه استدلال می‌کنند که سوءرفتار در تحقیقات علمی به جهت منفعت اجتماعی مسلم این گونه تحقیقات بهتر است نادیده گرفته شود، زیرا از دیدگاه عموم مردم، منافع و مصالح جامعه بر مصلحت و منفعت یک فرد اولویت دارد و واضح است که منافع تحقیقات علمی متوجه کلیت جامعه است و تأکید بر منافع آزمودنی و اتخاذ سیاست کیفری برای تضمین آن منجر به کاهش انگیزه پژوهش‌گران برای انجام این تحقیقات و در نهایت متضرر شدن جامعه می‌شود. از طرفی، با توجه به جایگاه اجتماعی پزشکان و این که اصولاً پزشکان از روی حسن‌نیت و به قصد کمک به دیگران فعالیت می‌کنند، باعث می‌شود جامعه و افراد از پزشکان و پژوهش‌گران علوم پزشکی تلقی بزهکار را نداشته باشند.

بر اساس نظر این گروه، عمده‌ترین علت جواز انجام تحقیقات علمی علی‌رغم احتمال ورود صدمه و حتی مرگ برای آزمودنی، ضرورت اجتماعی و منافع گسترده این پژوهش‌ها برای جامعه است (Richardson, 2009, P 101) و همین منافع باعث می‌شود تا سوءرفتارهای صورت گرفته در فرآیند پژوهش‌های علمی از دیدگاه جامعه، جرم تلقی نشود و در نهایت خطای مدنی محسوب شوند. به عبارت دیگر، از دیدگاه این گروه، همان ضرورتی که ایجاب می‌کند عملی که قاعداً ممنوع تلقی می‌شود مباح شود، به ممنوعیت اتخاذ سیاست کیفری منجر می‌شود، زیرا از دیدگاه این گروه، اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی بر خلاف ضرورتی است که انجام چنین تحقیقاتی را حتی با احتمال صدمه یا مرگ

آزمودنی، مجاز کرده است. به عبارت دیگر، اعتقاد این گروه بر منع اتخاذ سیاست کیفری در تحقیقات علمی به این باور بر می‌گردد که اعمال مجازات کیفری بر پژوهش‌گران متخلف مانعی برای تحقیقات پزشکی و پیشرفت علوم محسوب می‌شود. این گروه معتقدند برای تضمین حقوق آزمودنی در تحقیقات علمی اعمال ضمانت اجرای مدنی در قالب قواعد مسؤولیت مدنی و جبران خسارت و ضمانت اجرای اداری در قالب ابطال پروانه، تعلیق موقت و ایجاد ممنوعیت از انجام برخی از فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های پژوهشی می‌تواند مؤثر باشد بدون آن‌که اثر منفی بر توسعه تحقیقات پزشکی و کاهش انگیزه پژوهش‌گران داشته باشد. زیرا اولاً اعمال مجازات کیفری در خصوص پژوهشگر متخلف هیچ سود مستقیمی برای آزمودنی زیان‌دیده نخواهد داشت و ثانیاً در صورت ورود خسارت، قواعد مسؤولیت مدنی می‌تواند تا حد زیادی به جبران خسارت زیان‌دیده کمک کند و در صورت احراز سوءنیت پژوهشگر می‌توان با ضمیمه کردن مجازات اداری در کنار جبران خسارت به شکل لغو پروانه پزشکی، تعلیق پروانه یا حتی ممنوعیت از انجام پژوهش بر روی آزمودنی، زمینه ورود صدمه در آینده را تقلیل داد.

برای این‌که نظر این عده مبنی بر کفایت ضمانت اجرای مدنی و اداری برای تضمین حقوق آزمودنی، هرچه بیش‌تر روشن شود، در ادامه مفهوم ضمانت اجرای مدنی (مسؤولیت مدنی) و ضمانت اجرای اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسؤولیت مدنی به معنای عام عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از این‌که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسؤول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۳). برخلاف ضمانت اجرای کیفری که در آن مجازات ممکن است بر حسب نوع جرم و متناسب با سوءنیت یا تقصیر جزایی به

صورت حدود، قصاص، دیات و تعزیرات باشد در ضمانت اجرای مدنی، فاعل ضرر و زیان به نسبت ضرر وارده به متضرر، مکلف به جبران خسارت می‌باشد. برخلاف مجازات کیفری، مسؤولیت مدنی تنها اختصاص به متخلف قابل سرزنش ندارد و حتی ممکن است در خصوص اعمال تصادفی نیز حکم به جبران خسارت شود. از لحاظ حقوقی، جبران خسارت در مسؤولیت مدنی مثل مجازات کیفری، بیان‌کننده سرزنش اخلاقی جامعه نیست. در نتیجه جبران خسارت به معنای مجازات نیست و استفاده از ضمانت اجرای مدنی به جای مجازات کیفری بیان‌کننده این امر است که رفتار پژوهشگر متخلف از نظر دولت رفتاری سزاوار سرزنش نیست.

از دیگر ابزارهای مورد استفاده برای حمایت از حقوق آزمودنی در پژوهش‌های علمی، ضمانت اجرای اداری است. در ایالات متحده آمریکا، اداره کل غذا و دارو آمریکا^۶ و سازمان ملی بهداشت^۷ نقشی کلیدی در اتخاذ ضمانت اجرای اداری در حمایت از آزمودنی انسانی دارند.^۸ در آمریکا مقررات سازمان غذا و دارو در خصوص پژوهش‌های علمی در خصوص داروها و ادوات پزشکی حاکم است و برای تأیید هر دارو و دستگاه جدیدی توسط این سازمان باید این مقررات رعایت شود. پژوهش‌گرانی که مقررات سازمان غذا و دارو از قبیل اخذ رضایت آگاهانه را نقض کنند ممکن است جواز شرکت در فعالیت‌های پژوهشی را از دست بدهند.^۹ به علاوه، سازمان ملی بهداشت آمریکا با استفاده از ابزارهای مالی به حمایت از آزمودنی انسانی می‌پردازد. تمامی پژوهش‌گرانی که می‌خواهند از کمک مالی این سازمان بهره‌مند شوند باید فرمی را امضا کنند که ضمن آن متعهد می‌شوند تمامی مقررات این سازمان را در خصوص محافظت از آزمودنی انسانی رعایت

کنند. عدم رعایت این مقررات منجر به استرداد کمک‌های مالی و محرومیت از درخواست‌های آینده می‌شود.^{۱۰}

در ایران وزارت بهداشت و سازمان‌های زیرمجموعه آن از قبیل سازمان غذا و دارو این وظیفه را برعهده دارند اما متأسفانه ابهامات زیادی در خصوص مقررات و ضوابط حاکم بر پژوهش‌های علمی و نحوه توزیع بودجه پژوهشی وجود دارد که ضرورت دارد قانون‌گذار با مداخله در این امر و قانون‌گذاری در این خصوص از این ابهامات بکاهد. از طرفی، وزارت بهداشت نیز باید با تعیین ضوابط و چهارچوب‌های استاندارد در زمینه انجام این گونه پژوهش‌ها، زمینه حمایت هرچه بیشتر از آزمودنی را فراهم کند. از طرفی، با اصلاح مقررات مربوط به اعطای بودجه تحقیقاتی، نظارت مؤثرتری را در این خصوص اعمال کند.

اثر ضمانت اجرای اداری بیش‌تر بدنام‌سازی و شرم‌ساری است و به شهرت علمی پژوهشگر لطمه وارد می‌کند و در نتیجه به قابلیت اشتغال او در آینده در فعالیت‌های پژوهشی صدمه جدی وارد می‌کند. مع‌الوصف، این آثار هرچند جدی به نظر می‌رسند، به هیچ عنوان نمی‌توانند اثری برابر با ضمانت اجرای کیفری داشته باشند.

۲- استدلال موافقان اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی

در مقابل دیدگاه منع اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی، گروهی معتقدند حفظ حقوق افرادی که برای شرکت در تحقیقات علمی داوطلب می‌شوند در اولویت است زیرا این افراد بدون این که نفع مستقیمی از این گونه پژوهش‌ها به آن‌ها برسد برای پیشرفت جامعه و علم پزشکی به انجام چنین تحقیقاتی رضایت می‌دهند، در حالی که پژوهش‌گران و پزشکان عموماً برای اهداف اقتصادی

و ارتقای مرتبه علمی و شغلی خود، اقدام به انجام چنین تحقیقاتی می‌کنند. در نتیجه برای حمایت و تضمین حقوق آزمودنی اتخاذ سیاست کیفی امری ضروری است زیرا قدرت بازدارندگی مجازات کیفی مؤثرترین شیوه حمایت از حقوق افراد تلقی می‌شود.

طرفداران اتخاذ سیاست کیفی در پژوهش‌های علمی در پاسخ به انتقادات صورت گرفته به اعمال این شیوه، پاسخ داده‌اند که اولاً جایگاه اجتماعی پزشکان به عنوان افراد مورد اعتماد که اعمالشان مبتنی بر حسن نیت است همیشه صحیح نیست زیرا در خصوص پژوهش‌گران علوم پزشکی اگر خلاف آن صادق نباشد قطعاً اصل حسن نیت همیشه ثابت نیست و در بسیاری از موارد پژوهش‌های علمی برای اهداف اقتصادی صورت گرفته یا پژوهشگر در جستجوی ارتقای مرتبه علمی و شغلی خود می‌باشد و سلامت و حقوق آزمودنی در اولویت بعدی قرار دارد. به علاوه، منفعت اجتماعی گسترده این گونه پژوهش‌ها نمی‌تواند مبنای تزییع حقوق آزمودنی باشد زیرا منفعت جامعه زمانی بر منفعت فرد مقدم است که این دو در تضاد باشند و جمع آن‌ها عرفاً ممکن نباشد. مثلاً در صورتی که نجات شهری در گرو حبس یا حتی اعدام یک فرد باشد، سلب حق آزادی و حتی حیات آن فرد موجه خواهد بود که این امر در تحقیقات علمی صادق نیست زیرا اصولاً تقابل مستقیم بین حفظ منافع آزمودنی و توسعه تحقیقات علمی وجود ندارد و این که اتخاذ سیاست کیفی باعث کاهش تحقیقات علمی می‌شود، صرفاً یک ادعا است و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای بر آن وجود ندارد. از طرفی، بزرگترین فجایع انسانی در تحقیقات علمی که در تاریخ علوم پزشکی ثبت شده عموماً با سوءاستفاده از مفهوم منفعت اجتماعی صورت گرفته است که می‌توان به انجام

تحقیقات پزشکی بر روی زندانیان توسط نازی‌ها و ژاپنی‌ها در طول جنگ جهانی دوم اشاره کرد.

به اعتقاد این گروه مجازات کردن پژوهش‌گران در بردارنده یک پیام مهم برای جامعه خواهد بود و آن این‌که تجاوز به استقلال و تمامیت جسمانی انسان امری نکوهیده تلقی می‌شود حتی اگر در قالب تحقیقاتی صورت بگیرد که دارای منفعت اجتماعی است (Richardson, 2009, P 107). این افراد معتقدند قصور دولت در اتخاذ سیاست کیفی و اعمال مجازات نسبت به پژوهش‌گران متخلف مستقیماً زمینه‌ساز ایراد صدمه به آزمودنی در آینده خواهد شد. مضافاً بر اینکه اگر پژوهش‌گران علوم پزشکی مجاز باشند تا مصون از مجازات و تعقیب کیفی علیه افراد شرکت‌کننده در تحقیقات علمی مرتکب اعمال مجرمانه شوند، القاء‌کننده این پیام نادرست به جامعه خواهد بود که ایراد صدمه به آزمودنی انسانی اگر هدف پژوهش آن را توجیه کند مجاز می‌باشد.

از فواید دیگر اعمال ضمانت اجرای کیفی این است که مجازات کیفی بیان‌کننده سرزنش اجتماعی است به گونه‌ای که سایر ضمانت اجراها در این خصوص فاقد اثر لازم است زیرا اتخاذ سیاست کیفی و اعمال مجازات منجر به دستیابی به سایر اهدافی هم‌چون بازدارندگی و آموزش اخلاقی جامعه نیز می‌شود.

از دیدگاه جرم‌شناسی، صرف‌نظر از این‌که سایر ضمانت اجراهای اداری یا مدنی بتوانند حمایت کافی برای آزمودنی در مقابل تخلفات صورت گرفته در فرآیند پژوهش‌های علمی فراهم‌کنند، اتخاذ ضمانت اجرای کیفی منجر به بازدارندگی مضاعف می‌شود. از دیدگاه سنتی، مجازات های کیفی، بازدارندگی را

تشدید و به عنوان ابزاری برای محکومیت رفتار موضوع مجازات در سطح جامعه عمل می‌کند (Kuzma, 1992, p 392).

پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری در خصوص سوءرفتار در تحقیقات علمی هم در خصوص پژوهش‌های علمی و هم در سطح جامعه دارای آثار مفیدی است. در پژوهش‌های علمی، اتخاذ سیاست کیفری دارای اثر بازدارنده است (Goldberg, 2003, p 13) و بیم از مجازات کیفری باعث می‌شود تا پژوهش‌گران از تعرض به حقوق آزمودنی امتناع کنند مضافاً بر این‌که اصل وجود ضمانت اجرای کیفری باعث ایجاد انگیزه برای گزارش تخلفات و جرائم ارتكابی در پژوهش‌های علمی می‌شود زیرا زمانی که افراد بدانند تخلفات و جرائم در این گونه پژوهش‌ها بدون مجازات نمی‌ماند، انگیزه بیشتری برای گزارش این تخلفات خواهند داشت. از طرفی از آن‌جا که جرمه نقدی و مجازات‌های کیفری منجر به ایجاد اختلال در فعالیت پژوهشی مؤسسات تحقیقاتی شده است و زیان‌های اقتصادی زیادی را برای این گونه مؤسسات رقم می‌زند، همین امر باعث می‌شود خود این مؤسسات در فعالیت‌های تحقیقاتی‌شان نظارت بیشتری را اعمال کنند و شیوه انجام فعالیت‌های پژوهشی خود را در جهت حفظ هرچه بیشتر حقوق آزمودنی اصلاح کنند (Sovacoo, 2005, p 4).

اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی علاوه بر اثری که بر پژوهش‌گران و مؤسسات تحقیقاتی دارد، دارای آثاری مفیدی نیز در سطح جامعه است. جرم‌انگاری تخلفات پژوهشی منجر به کاهش احتمال ایراد صدمه به آزمودنی و متعاقباً کاهش دعاوی برخاسته از این‌گونه پژوهش‌ها و در نهایت کاهش هزینه تحقیقاتی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به پژوهش‌گران و تحقیقات علمی می‌شود (Steinberg, 2000, p 71).

علی‌رغم این‌که در قوانین اکثر کشورها، تحقیقات علمی که بدون رعایت موازین و مقررات صورت می‌گیرد را ممنوع اعلام کرده‌اند اما تنها برخی از کشورها همچون ایتالیا، فرانسه، استرالیا، اسلواکی، مقدونیه و صربستان در قوانین کیفری خود صراحتاً اقدام به جرم‌انگاری تخلفات صورت‌گرفته در پژوهش‌های علمی کرده‌اند. در حالی که سایر کشورها تنها از طریق قوانین مدنی و اداری، پژوهش‌های انسانی غیرمجاز را مورد قانون‌گذاری قرار داده‌اند، بر مبنای این تفکر که اتخاذ سیاست کیفری مانعی بر سر راه پیشرفت علوم پزشکی تلقی می‌شود (Liu, 2012, P 111). چنین تفکری صحیح نیست زیرا هدف از اتخاذ سیاست کیفری و اعمال مجازات، تضمین حقوق آزمودنی است نه تحدید تمامی پژوهش‌های علمی بلکه تنها برای محدود کردن پژوهش‌هایی است که متضمن صدمات بالقوه برای آزمودنی است.

همان‌طور که اشاره شد، اگرچه پژوهش‌های علمی خلاف موازین اخلاق پزشکی در قوانین اکثر کشورهای دنیا ممنوع تلقی شده است اما این قوانین در خصوص ضمانت اجرا رویکرد واحدی ندارند. تنها در قوانین برخی از کشورها برای تخلفات صورت‌گرفته در تحقیقات علمی، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است. در ژاپن، آلمان، ایالات متحده آمریکا، انجام پژوهش‌های علمی بر روی آزمودنی انسانی بدون اخذ رضایت آگاهانه ممنوع تلقی شده است.^{۱۱} در حالی که در فرانسه، استرالیا و اسلواکی پژوهش‌های علمی که بدون رعایت موازین اخلاق پزشکی انجام شده باشد، جرم تلقی شده و بر اساس قوانین کیفری قابل مجازات است. بر اساس رویه قضایی انگلستان، تمامی پژوهش‌های پزشکی که با تماس فیزیکی همراه است باید با اخذ رضایت آگاهانه آزمودنی یا بیمار صورت بگیرد. در

صورت عدم اخذ رضایت آگاهانه، عمل پژوهشگر تحت عنوان کیفری ضرب و جرح^{۱۲} قابل تعقیب خواهد بود (Liu, 2012, P 110).

سیاست‌گذاران عرصه زیست‌فناوری در آمریکا نسبت به وجود خلاء جدی در نظام فعلی حمایت از آزمودنی اتفاق نظر دارند. علی‌رغم تصویب قانون حمایت از آزمودنی انسانی در سال ۱۹۹۷ در گزارش تقدیمی به کنگره آمریکا اظهار شده بود که این قانون به علت عدم شمول بر تمامی انواع پژوهش‌ها و عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجراهایی نقض حقوق آزمودنی نتوانسته است به طور مؤثری از حقوق آزمودنی در پژوهش‌های علمی حمایت کند. آن‌ها معتقدند برای تضمین حمایت قانونی مؤثر در خصوص حقوق آزمودنی در پژوهش‌های علمی باید ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری مناسب برای نقض حقوق آزمودنی پیش‌بینی شود (Anonymous, 1997, p 16).

با توجه به استدلال موافقان و هم‌چنین اهمیت و شدت عواقب سوءرفتار در تحقیقات علمی و آثار سوء آن بر آزمودنی و جامعه، ضرورت اتخاذ ضمانت‌اجرای کیفری آشکار است، با وجود این در قوانین غالب کشورها در خصوص تحقیقات علمی صراحتاً ضمانت‌اجرای کیفری پیش‌بینی نشده است (Sovacoo, 2005, P 4). برای فراهم کردن ساختار حمایتی جامع علیه سوءرفتارهای شدید در تحقیقات علمی، باید قوانین خاص همراه با پیش‌بینی ضمانت‌اجرای کیفری علیه پژوهش‌گران تدوین شود. اتخاذ سیاست کیفری شدیدتر باید شامل جرمه‌های سنگین‌تر، حبس اجباری، لغو جواز انجام پژوهش علمی و حتی لغو پروانه پزشکی باشد.

ج- نظریه قابل پذیرش در حقوق ایران

موضع حقوق ایران در خصوص اتخاذ سیاست کیفری و حتی ضمانت اجرای مدنی و اداری در پژوهش‌های علمی به وضوح مشخص نیست زیرا تاکنون قانون خاصی در مورد ضوابط و مقررات پژوهش‌های زیست پزشکی و ضمانت اجرای آن به تصویب نرسیده است. البته از بررسی قوانین مدنی و کیفری و سایر مقررات مرتبط می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظریه قابل پذیرش در حقوق ایران، اتخاذ سیاست کیفری و اعمال مجازات کیفری در خصوص پژوهش‌های علمی است اما تا زمانی که در این خصوص صراحتاً جرم‌انگاری صورت نگیرد بر مبنای اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، نمی‌توان به روح قوانین یا درستی این نظریه استناد کرد و تخلفات صورت گرفته در فرآیند پژوهش‌های علمی را جرم دانست.

برای تبیین نظریه قابل پذیرش در حقوق ایران در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت اتخاذ سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی می‌توان به اصل ۲۲ قانون اساسی استناد کرد که مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». از آن جا که در هیچ قانون خاص دیگری قانون‌گذار پژوهش‌گران را از افراد دیگر جامعه مستثنی نکرده است، می‌توان چنین استنباط کرد که هرگاه کسی اعم از پژوهشگر یا دیگری، هرگونه تعرضی را به جان هر انسانی داشته باشد مسئول عملش خواهد بود و این مسئولیت اعم از مسئولیت مدنی و کیفری است.

علی‌رغم عدم قانون‌گذاری در خصوص پژوهش‌های علمی، برخی از تخلفات صورت گرفته ممکن است تحت قانون مجازات اسلامی جرم تلقی شود. مثلاً اگر در صدمات وارده به آزمودنی در نتیجه پژوهش‌های علمی، عمد پژوهشگر ثابت شود مطابق ماده ۲۹۰ ق.م.ا با مرتکب (پژوهشگر) رفتار می‌شود زیرا مقنن،

پژوهشگر پژوهش‌های پزشکی را همان‌طور که قبلاً گفته شد از اشخاص دیگر جامعه مستثنی نکرده است لذا در صورت احراز عمد او، مرتکب ضرب و جرح یا قتل عمد شناخته می‌شود. به علاوه در خصوص موارد احراز تقصیر از جانب پژوهشگر می‌توان از مفاد ماده ۴۹۵ ق.م.ا برای اثبات ضرورت جرم‌انگاری در این خصوص و لزوم تصویب قانون جامع تحقیقات زیست پزشکی بهره برد. ماده ۴۹۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است، مگر آن‌که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنان‌چه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بی‌هوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود». اگرچه مفاد این ماده در رابطه با مجازات پزشکی است که در مقام معالجه باشد، به عبارتی، هدف پزشک معالجه بیمار است ولی می‌توان چنین استنباط کرد که قانون‌گذار باید در خصوص پژوهشگری که عمل او به قصد درمان نیست و آزمودنی ذی‌نفع مستقیم پژوهش نیست، به طریق اولی اقدام به جرم‌انگاری تخلفات صورت‌گرفته توسط او کند. لذا با توجه به استدلال‌های صورت‌گرفته بر ضرورت اتخاذ سیاست کیفری و فحوای اصل ۲۲ قانون اساسی و مواد ۲۹۰ و ۴۹۵ ق.م.ا می‌توان پذیرفت که نظریه قابل پذیرش در حقوق ایران، اتخاذ سیاست کیفری برای تضمین حقوق آزمودنی در پژوهش‌های علمی است.

نتیجه و پیشنهادات

این واقعیت که تحقیقات علمی دارای نفع اجتماعی است نباید به این معنا تلقی شود که اعمال مجرمانه پژوهشگران بدون مجازات بماند. مجازات کیفری اگر

به درستی اعمال شود این پیام را می‌رساند که پزشکان و پژوهش‌گران مجاز نیستند تا با موضوع انسانی پژوهش‌های علمی به شیوه‌ای رفتار کنند که با ارزش ذاتی آن‌ها به عنوان انسان منافات داشته باشد. مجازات متناسب به پژوهش‌گران ثابت می‌کند که تخلفات آن‌ها در خصوص آزمودنی انسانی سزاوار ننگ و سرزنش اجتماعی است. تنها از این طریق می‌توان بین ضرورت حمایت از شرافت و تمامیت جسمانی انسان و ادامه انجام تحقیقات علمی نافع به حال جامعه تناسب ایجاد کرد. اتخاذ سیاست کیفری در خصوص تحقیقات علمی می‌تواند باعث تقویت تمامی قوانین و مقررات مرتبط با حمایت از آزمودنی انسانی در تحقیقات علمی شود. بدین طریق می‌توان از سوءاستفاده از انسان به عنوان موش آزمایشگاهی در پژوهش‌های علمی به بهانه منافع گسترده اجتماعی این گونه پژوهش‌ها اجتناب کرد. اگر در خصوص حمایت از تمامیت جسمانی و کرامت انسانی آزمودنی در پژوهش‌های علمی جدی باشیم، اتخاذ سیاست کیفری در خصوص این گونه پژوهش‌ها گامی جدی در راستای رسیدن به این هدف تلقی می‌شود.

در پاسخ به این سؤال که آیا اتخاذ ضمانت اجرای مدنی و اداری در خصوص تحقیقات علمی می‌تواند جایگزین مناسبی برای ضمانت اجرای کیفری باشد و حقوق آزمودنی را به خوبی مورد حمایت قرار دهد، می‌توان گفت نقض حقوق آزمودنی در تحقیقات علمی از آن‌جا که نقض تمامیت جسمانی و کرامت انسانی است به اندازه‌ای از لحاظ اجتماعی قابل سرزنش و نکوهش است که ضمانت اجرای جایگزین مانند مسؤولیت مدنی و ضمانت اجرای اداری در این خصوص فاقد اثربخشی لازم است و عدم اعمال ضمانت اجرای کیفری توسط دولت در خصوص نقض تمامیت جسمانی آزمودنی به نوعی به معنای تجویز این اعمال

خواهد بود. به علاوه تأکید بر اتخاذ سیاست کیفری در خصوص تحقیقات علمی به معنای مخالفت با اعمال سایر ضمانت اجراها نیست، بلکه به نظر می‌رسد ضمانت اجرای کیفری بهترین ابزار قانونی برای تضمین حقوق آزمودنی است. البته در بسیاری از مواردی که آزمودنی در اثر تحقیقات علمی مورد آسیب قرار می‌گیرد، پژوهشگر فاقد سوءنیت است که در این موارد اعمال ضمانت اجرای مدنی (حکم به جبران خسارت) و مجازات اداری کافی است و مبنایی برای اعمال مجازات کیفری وجود ندارد. در موارد احراز سوءنیت پژوهشگر، اعمال ضمانت اجرای مدنی و اداری در کنار ضمانت اجرای کیفری برای جبران کامل خسارت زیان‌دیده و از بین بردن زمینه ورود زیان در آینده ضروری است زیرا ضمانت اجرای مدنی برای جبران خسارت آزمودنی زیان‌دیده و بازگرداندن وضعیت او به حالت قبل از ورود زیان است و ضمانت اجرای اداری از طریق لغو پروانه پزشکی یا ممنوعیت انجام تحقیقات علمی زمینه ورود زیان بر سایر افراد را در آینده از بین می‌برد و در نهایت مجازات کیفری سزای عمل مجرمانه‌ای است که پژوهشگر مرتکب شده است.

لذا شایسته است قانون‌گذار ایرانی در راستای تضمین حقوق آزمودنی و بر اساس رهنمودهای قانون اساسی، اقدام به تدوین و تصویب قانون جامع تحقیقات زیست‌پزشکی نماید و در آن، ضمانت اجراهای مدنی، اداری و کیفری را صراحتاً پیش‌بینی کند تا ابهامات موجود در نظام حقوقی ما در خصوص سیاست کیفری در پژوهش‌های علمی مرتفع و زمینه رشد و تجلی روزافزون جامعه پزشکی و علمی کشور را از طریق رفع موانع قانونی و تضمین همزمان حقوق آزمودنی فراهم سازد.

پی‌نوشت‌ها

- 1 . Therapeutic Research.
- 2 . Clinical Research.
- 3 . Scientific Research.
- 4 . Non-Therapeutic Research.
5. Mink V. Univ. Of Chicago, 460 F. Supp. 713 (N.D. 111. 1978)
- 6 . Food And Drug Administration (FDA).
- 7 . National Institute Of Health (NIH).
- 8 . 21 C.F.R. § 50.1 (2008).
- 9 . 21 C.F.R. § 312.70 (2008).
- 10 . 45 C.F.R. § 46.123.

۱۱ . مثلاً در حقوق آمریکا، اکثر حقوق‌دانان در خصوص قابلیت اعمال ضمانت اجرای کیفری بر مبنای قانون حمایت از آزمودنی سال ۱۹۷۹ تردید دارند علی‌رغم این‌که تحت ماده ۱ بخش ۲ یکی از اهداف این قانون حمایت کیفری از آزمودنی بوده است اما به علت قصور قانون در تصریح به این‌گونه ضمانت اجراها، در عمل چنین حصول به چنین هدفی میسر نشده است.

- 12 . Battery.

فهرست منابع

- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۰). مسؤلیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۲). نقش رضایت در پژوهش‌های علوم پزشکی، چاپ اول، انتشارات حقوقی.
- مظلومان، رضا. (۱۳۵۱). سیاست کیفری چیست؟ حقوق مردم، پاییز و زمستان ۵۱، ش ۲۹ و ۳۰.
- مظفری‌زاده، سجاد. (۱۳۹۱)، ترمینولوژی جرم‌شناسی، چاپ اول، شرکت نشر بهینه فراگیر.
- Ackerman, Terrence F. (2000). *Human Subjects Research, Ethics, Compensation Of Subjects For Injury*, Encyclopedia Of Ethical, Legal, And Policy Issues In Biotechnology, Thomas Murray, Maxwell J. Mehlman. A Wiley-Interscience Publication
- Goldberg, Daniel. (2003). *Research Fraud: A Sui Generis Problem Demands A Sui Generis Solution (Plus A Little Due Process)*, Thomas M. Cooley Law Review, Vol. 20, No. 47, pp 1-25
- Jackson, Emily. (2006). *Medical Law: Text, Cases and Materials*, Oxford University Press, New York.
- Kenneth Mann.(1992). *Punitive Civil Sanctions: The Middle ground Between Criminal And Civil Law*, 101 Yale L.J. 1795, 1808 () P 1799
- Kopelman, Loretta M. (2000). *Human Subjects Research, Ethics, And Research On Children*, Encyclopedia Of Ethical, Legal, And Policy Issues In Biotechnology, Thomas Murray, Maxwell J. Mehlman. A Wiley-Interscience Publication.
- Kuzma, Susan M. (1992). *Criminal Liability for Misconduct in Scientific Research*. *University Of Michigan Journal of Law Reform*, 25:357-401.

- Richardson, L. Song. (2009). *When Human Experimentation Is Criminal, The Journal Of Criminal Law And Criminology*, Vol. 99, No. 1 (Winter 2009), pp. 89-134, Published By Northwestern University
- Liu, Chang-Qiu. (2012). *On Human Experimentation: A Perspective Of China's Criminal Law*, Beijing Law Review, Vol.3 No.3, September, pp 109-111,
- Plomer, Aurora. (2005). *the Law and Ethics of Medical Research: International Bioethics and Human Rights*, Cavendish Publishing Limited.
- Resnik, David B. (2000). Financial Interests And Research Bias, *Perspectives On Science*, Volume 8, Number 3, Fall 2000: 255-285.
- Sovacoo, Benjamin K. (2005). Using Criminalization And Due Process To Reduce Scientific Misconduct, *The American Journal Of Bioethics*, 5:5, P1-7
- Stauch, Marc & Wheat, Kay & Tingle, John. (2002). *Sourcebook On Medical Law*, 2nd Ed, Cavendish Sourcebook Series
- Steinberg, Nisan A. (2000). Regulation of Scientific Misconduct in Federally Funded Research. *South California Interdisciplinary Law Journal*; 10(1), pp 39-105.
- Villarosa, Linda. (2010). *The Guatemala Syphilis Experiment's Tuskegee Roots*, Available at: http://www.theroot.com/articles/politics/2010/10/the_guatemala_syphilis_experiment_of_the_1940s_has_roots_in_tuskegee_study.html
- Zhai, X. M & Qiu, R. Z. (2005). *Outline of Bioethics*, Tsinghua University Press, Beijing., P 412
- Kuzma, Susan M. (1992). *Criminal Liability for Misconduct in Scientific Research*, University of Michigan journal of law reform, 25 (2):357-421
- Anonymous. (1997). *Building Public Trust*, Diane Publishing Company.

یادداشت شناسه مؤلفان

علی خورشیدی: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

ابوالفتح خالقی: استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤل)

پست الکترونیک: ab-khaleghi@qom.ac.ir

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۸

The necessity of criminal policy in protection of human subjects' rights in non-therapeutic research

Ali khorshidi

Abolfath Khaleghi

Abstract

Some scholars believe that medical researchers who conduct non-therapeutic research on human subjects should not be sentenced to criminal punishment even though they are committing criminal act with harming human subject. In contrast, other scholars argue that administrative and civil sanctions in connection with biomedical research is not enough And criminal sanction in addition to civil and administrative sanctions have a greater deterrent effect. In this paper we Review the viewpoint of those who Support the ban on criminal policy in scientific research and analysis the view of advocates of necessity of adopting this policy, we proposed the best approach for the Iranian legal system. According to Reasons of proponents of each theory and principles of national rights, the use of criminal sanctions against misconduct in scientific research can be instrumental in protection of human subject's rights and reducing misconduct in scientific research.

Keywords

Non-therapeutic research, criminal sanction, criminal policy, human subject